این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

چه وقت وحشت تنهایی بی‌معنا می‌شود؟

استاد شهید مرتضی مطهری(ره):

یک زمان تنها بمانی تو ز خلق/در غم و اندیشه مانی تا به حلق
آیا زمانی که خلوت برایت رخ دهد که اجباراً در خلوت بروی یا اختیاراً از مردم جدا شوی، از تنهایی وحشت می‌کنی یا نمی‌کنی؟ کدام یک از ما هستیم که ۱۰ شبانه‌روز در یکجا تنها باشیم و حوصله‌مان سر نرود؟
حبس تک‌سلولی بالاترین حبس‌هاست، چون آدم تنها می‌ماند. اگر خودت را یافته بودی و خودت را درک کرده بودی [چنین حالتی پیدا نمی‌کردی.]
این تو کی باشی که تو آن اوحدی/که خوش و زیبا و سرمست خودی
اگر تو خودت را کشف کرده بودی، وقتی در خلوت با خودت بودی نیازی به هیچ چیز نداشتی. اینکه در خلوت وحشت می‌کنی برای این است که با خودت هم نیستی، خودت را هم گم کرده‌ای، خودت را باخته‌ای. روح و حقیقت عبادت که توجه به خداست، بازیافتن خود واقعی است. انسان خود حقیقی‌اش را در عبادت و در توجه به ذات حق پیدا می‌کند و می‌یابد.
منبع: کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در تلگرام به استناد کتاب انسان کامل، ص ۲۰۵

هدف رهبری از واکسن زدن جلوی دوربین چه بود؟

علیرضا وهاب‌زاده توئیت کرد: به نظرتون هدف رهبری از این کار فقط کاشت یک درخت است؟! یا تشویق به انجام این امر حسنه؟ هدف رهبری از واکسن زدن جلوی دوربین فقط تزریق واکسن بود یا تشویق به انجام واکسیناسیون؟ چطور عده‌ای با ساده‌انگاری خود را پیرو رهبری می‌نامند اما در عمل با موضوعی که ایشان به آن تأکید کردند مخالفند؟

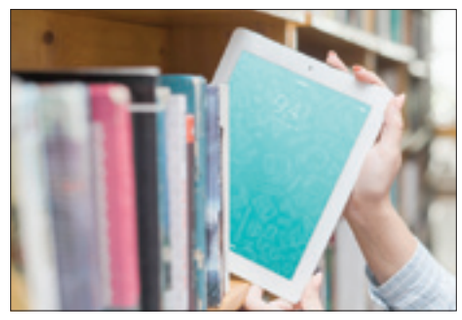

جدال کتاب کاغذی با نسخه الکترونیکی

رسول جعفریان در توئیتی نوشت: شک نباید کرد که کتاب کاغذی در دنیای جدید مانع رشد علم است. امروز فایل کتابی را که تازه منتشر شده، دست‌کم ۲۰ نفر برای بنده فرستادند. بسا امروز بیش از ۵۰ هزار نسخه آن در دسترس قرار گرفت و دانلود شد. درمقابل، کتابی که ۵۰۰ یا ۱۰۰۰ نسخه چاپ می‌شود، ماه‌ها در دست ناشر می‌ماند.

جریان تحریف مشغول به کار است!

سیدهانی هاشمی در توئیتی با انتشار تصویر فوق نوشت: درحالی که تبلیغ و تسهیل فرزندآوری در دستور کار مراکز حاکمیتی، فرهنگی و رسانه‌ای کشور قرار گرفته؛ رسانه‌های زنجیره‌ای اصلاحات سنگین‌ترین عملیات روانی را علیه فرزندآوری ترتیب داده‌اند... آری! ایران بهترین زیستگاه و محل رشد جریان تحریف و ضد گفتمان خود است!

کنترل بازار به مردم سپرده شد!

بنت‌الهدی قلی‌زاده در توئیتی نوشت: براساس تصمیم ستاد هماهنگی اقتصادی دولت مقرر شد وزارت جهادکشاورزی به صورت روزانه قیمت اقلام خوراکی را از طریق رسانه‌ها اعلام کند و مردم و مصرف‌کنندگان نیز با خرید اقلام به قیمت اعلام شده رأسا بر نرخ‌ها نظارت کنند و با هرگونه تخلف برخورد شود؛ آخرش کنترل بازار به مردم سپرده شد!

محمدمهدی صافی | جوان

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به تداوم وضعیت نابسامان بورس

چشم به راه خبرهای خوبیم

با گذشت قریب به ۱۰۰ روز از دولت سیزدهم، بازار بورس همچنان با نوسانات شدیدی همراه است و سرمایه‌داران خرد بازار اذعان دارند توقعی که از دولت جدید داشته‌اند برآورده نشده است. مجلس شورای اسلامی نیز به مسئله ورود کرده و در جلسه علنی روز سه‌شنبه به پرسش از وزیر اقتصاد پرداخته است. برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز معتقدند خاندوزی، وزیر اقتصاد به رغم شعارهایی که برای اصلاح بورس داشت کاری نکرده است. از سوی دیگر نیز برخی مدافعان وزیر اذعان دارند وزیر در حال اصلاحات ساختاری و کلان است و نباید با فشارهای اجتماعی و سیاسی مانع این اصلاحات شد. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران موافق و مخالف مرور شده است.

■ **میثم ظهوریان:**
طیفی از نمایندگان برای بهبود شاخص بورس حاضر به ضربه زدن به سایر شاخص‌های اقتصادی مثل تورم و رشد اقتصادی و قدرت خرید هستند. فقط سؤال این است که آیا منافع عموم مردم با اینها همراستاست. چند درصد از بورس از سرمایه‌های خرد مردمی شکل گرفته است؟

■ **مسعود معینی‌پور:**
صد روز از کار دولت گذشت؛ مردمی بودن آن امیدزاست، اما جای ایده شفاف برای حل بحران و گفتمان ایجابی که نهادها و ساختارها را اصلاح کند خالی است. اقتصاد همچنان نابسامان، قیمت‌ها در صعود، بورس در سقوط؛ فرهنگ و سیاست داخلی تعطیل، سیاست خارجی بلاتکلیف و شایسته‌سالاری ضعیف. چشم به راه خبرهای خوبیم.

■ **جلال خالقی:**
گویا همه برنامه‌ها، ایده‌ها و ادعاهای خاندوزی هم در حد طرح سه روز قاضی‌زاده هاشمی برای بهبود بورس بودند، با تشکر!

■ **صدیف بدری:**
به‌رغم وعده‌های داده شده توسط دولت و انتظارات ایجاد شده در خصوص احیای بورس و صیانت از سرمایه‌های مردم، اقدام مؤثری در این راستا صورت نگرفته است. دولت با تشریح برنامه‌های خود برای بورس، به سیاست سکوت خود در قبال بازار سرمایه پایان دهد.

■ **حسین خزلی:**
از اینکه بورس اینقدر مهم شده که مجلس جلسه علنی دو ساعته برای درخواست توضیح از وزیر اقتصاد و رئیس سازمان بورس برگزار می‌کند، خوشحالم. امیدوارم این نظارت و حساسیت مجلس که منشعب از دغدغه ۵۰میلیون سهامدار است، مفید فایده باشد.

■ **محمد امین رعایا:**
نه وضع مطلوب اقتصاد ارتباط مستقیمی با شاخص بورس دارد، نه اصلاح خود بورس به معنی سبز شدن بازار است! هجمه‌ها علیه وزیر اقتصاد طبیعی نیست. توصیه و البته اخطارم به بعضی این است: علیه وزیری که به جای کارهای نمایشی، بی‌سر و صدا درگیر اصلاحات کلان در لایه حکمرانی شده، سیاسی کاری نکنند!

■ **حسن صادقی‌نژاد:**
خاندوزی در همین مدت اندک گام‌های مؤثری برای اصلاح مالیات برداشت، روند ترخیص از گمرک را افزایش داد و با فعال کردن مکانیسم بورس کالا توانست قیمت سیمان را کاهش دهد؛ حالا عده‌ای به او فحش می‌دهند چون در قمارخانه بورس باخته‌اند...

■ **مهدی قاسمی:**
بورس‌بازان مردم عادی و ضرر دیده را جلو انداخته‌اند و می‌خواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند. از سوی دیگر مسئولانی هم هستند که فکر می‌کنند بورس هر روز باید سبز باشد تا وضع مردم بهبود یابد. نگذاریم کسانی که پیگیر اصلاحات کلان در لایه حکمرانی هستند، همچون شیخ فضل‌الله سرشان بر دار رود.

در ستایش کم‌خواندن

کانال تلگرامی «بهشت مطالعه» بخشی از سخنرانی مرحوم پوری سلطانی، کتابدار را به اشتراک گذاشت. مرحوم سلطانی گفته‌اند: این روزها همه از خواندن، همه از کتاب، همه از کتابخانه و همه از نشر و طبع و مطبوعات سخن می‌گویند... آن‌قدر که حتی من کتابدار هم به امان می‌آیم و وقتی صدای سوزناک تبلیغات‌چی را از رادیو می‌شنوم که از کتاب حرف می‌زند بی‌اختیار رادیو را خاموش می‌کنم.
خواندن امروز همانگونه تبلیغ می‌شود که کالاهای تجارتی در رادیو و تلویزیون. ملاک همه چیز کمیت است نه کیفیت. زیاد پول داشته باشیم، زیاد بخوریم، زیاد بنوشیم، لباس زیاد داشته باشیم، زمین زیاد داشته باشیم، کتاب زیاد داشته باشیم. بهترین ناشر، ناشری است که تعداد کتاب‌های منتشرشده‌اش بیشتر باشد. روشنفکر به کسی گفته می‌شود که زیاد خوانده باشد. ملاک ارزشیابی در عالی‌ترین مدارج دانشگاهی، کثرت انتشار است و کثرت سابقه کار. این است که آدم‌ها، حتی استادان دانشگاه‌ها برای کسب مقام و شخصیت و به دست آوردن اعتبار بیشتر در سوپرمارکت روز مدام می‌نویسند. اینکه چه می‌نویسند مهم نیست. فکر می‌کنید از این‌همه کتابی که در سال در ایران منتشر می‌شود چندتای آنها واقعاً اندیشه‌ای جدید، فکری اصیل و هوشمندانه را عرضه می‌دارند؟
قدمای ما چگونه می‌خواندند؟ آنها با کتاب عشق می‌ورزیدند. با کتاب زندگی می‌کردند. با کتاب گفت‌وشنودی دوجانبه برقرار می‌کردند. آنها هر کتاب را دهها و دهها بار می‌خواندند. هر کلمه آن برایشان متضمن معانی بی‌شمار بود و هر جمله‌ای دنیایی از رازهای سربه‌مهر که باید گشوده می‌شد. با هر کلمه حرف می‌زدند. این است که می‌بینیم بر کتاب‌ها و بر کلمات هر کتاب شروح و حواشی بسیار نوشته می‌شود. شروحی که خود دنیایی است از آنچه خواننده از این گفت‌وشنود دوجانبه تحصیل کرده است.
کدامیک از ما این روزگار می‌توانیم ادعا کنیم که یک کتاب را بیش از یک یا دوبار خوانده‌ایم؟
مردم بسیاری را دیده‌ام که غالباً به مطالعه نقدی که درباره کتابی نوشته می‌شود اکتفا می‌کنند و بدون اینکه اصل کتاب را خوانده باشند در مجالس و محافل از کتاب سخن می‌رانند. مسئله این نیست که به کشفی برسیم، به آگاهی و شناختی اصیل دست یابیم. مسئله سر کثرت است. زیاد بخوانیم یا تظاهر کنیم که زیاد خوانده‌ایم، زیرا که کثرت در بازار شخصیت اهمیت دارد، زیرا انسان با خودش با همنوعش و با طبیعت بیگانه شده است و انرژی حیات خویش را چون نوعی سرمایه‌گذاری تلقی می‌کند که باید با آن بیشترین سودها را به چنگ آورد. قدمای ما با کیفیت کار داشتند و عمقی می‌خواندند. ما با کمیت کار داریم و سطحی می‌خوانیم. مادران و پدران ما، مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌های شما آنچه را خوانده‌اند با زندگی‌شان عجین شده است و شما اغلب تعجب می‌کنید که چگونه برای هر مطلب شاهد مثالی از سعدی، حافظ، از قرآن، از مولانا و از ناصرخسرو دارند. و ما که این‌همه به‌ظاهر باسوادتریم و مدرسه‌رفته و دانشگاه‌دیده و کتاب‌خوانده چگونه چنین قدرتی نداریم؟ برای اینکه سواد برای آنها متاعی نبوده که با آن به بازار بروند. سواد زندگی‌شان است. اگر شعری از حافظ برایتان می‌خوانند برای این است که سال‌ها با این دوست راز و نیازها داشته‌اند و حالا شناختشان از او خیلی بیشتر از شناسایی شما از دوست دیرینتان است. این است که وقتی بیتی را شاهد مثال می‌آورند در واقع حرف دلشان را می‌زنند، منتها به زبانی زیباتر. درست همانند اینکه جزئی از تجربه خاصی از زندگی‌شان را برایتان نقل می‌کنند. مادر من شاید بیش از ۲۰، ۳۰ کتاب در عمر خود بیشتر نخوانده باشد ولی به مراتب، به معنای واقعی کلمه، از من باسواد کتابدار که غالب نویسندگان را می‌شناسم و از انتشارات روز باخبرم باسوادتر است.
سواد [امروز] سواد تلویزیونی است. سواد روزنامه‌ای و سواد زن روزی. تمام مطالب روزنامه فقط برای یک روز معتبر است و بعد از آن هیچ می‌ماند.
تند بخوانیم، تند بخوانیم که از اخبار روز عقب نمانیم. زیاد بخوانیم، زیاد کتاب بخریم. چگونه بخوانیم، چه بخوانیم و چه می‌خواهیم از خواندن، مطرح نیست. این است که مسئله تندخوانی مد روز می‌شود. تدریس می‌کنند که به جای حروف کلمات و به جای کلمات سطور و به جای سطور اوراق را بخوانیم.
تندخوانی یعنی اینکه بتوان با یک نظر یک ورق را خواند و این‌همه به‌جای تاملی است که قدمای ما در هر کلمه، در هر جمله و در هر سطر می‌کردند. در چنین دنیایی دیگر چه جای حافظ است و مولانا؟ چه جای حلاج است که با خدا یکی شد؟ و چه جای فردوسی و سعدی و طبری و بیهقی؟
ناچار توضیح بدهم که وقتی من از کتاب حرف می‌زنم منظورم کتاب‌های علمی نیست. بگذریم که این روزگار در کتاب‌های علمی هم تکرار است و ازدیاد و کثرت به جای اصالت شامل اینگونه کتاب‌ها هم شده است.

۳ دسته اموال تملیکی

کاوه اشتهاردی توئیت کرد: کالاهای دپویی اموال تملیکی سه دسته‌اند: بخشی که باید توسط قوه قضائیه تعیین تکلیف شود. گروه دیگر که امحایی بوده و تصاویرش بیشتر این روزها منتشر شده است. دسته سوم هم که باید توسط سازمان اموال تملیکی تدبیر شود که اتفاقاً رئیس‌جمهور چند ماه قبل بر تسریع آن تأکید کرد.

پیام تمدید «وضعیت اضطراری» چیست؟

محمدحسن دهقانی در پی تمدید «وضعیت اضطراری در مورد ایران» از سوی بایدن نوشت: تمدید «وضعیت اضطراری» توسط دولت امریکا در آستانه مذاکرات دو پیام واضح دارد: اولاً نشان از ادامه دشمنی این کشور با مردم ایران و ثانیاً اعلام پالس به تیم مذاکره مبنی بر ادامه سیاست فشار حداکثری از نوع دموکراتیک دارد.

عدالت واقعی و ملموس آرزوست نه فقط سخن گفتن از عدالت

کانال تلگرامی «کلبه اندیشه و فرهنگ» بخشی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب را در پیام به دومین همایش سراسری جنبش دانشجویی مورخ ۶ آبان ۸۱ منتشر کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) می‌فرمایند: دانشجوی متعهد و آگاه از پیش از انقلاب تاکنون همواره در جست‌وجوی مهم‌ترین مسائل جاری کشور بوده است. او با انگیزه آگاهی و نشاطی که لازمه محیط‌های دانشجویی است در پی آن است که آرمان‌های والا و تعهدآور خود را در پیگیری اینگونه مسائل جست‌وجو کند و در راه تحقق آن گام نهد. این نیز خصوصیت طبیعی دیگری برای محیط‌های دانشجویی است. امروز سرآغاز فهرست بلند مسائل کشور مسئله عدالت است.
دانشجوی جوان اگرچه خود برخاسته از قشرهای مستضعف جامعه هم نباشد، به عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی به چشم یک آرزوی بزرگ و بی‌بدیل می‌نگرد. این احساس و انگیزه در دانشجو پر ارج و مبارک است و می‌تواند پایه قضاوت‌ها و برنامه‌های عملی او برای حال و آینده باشد.
اگر عدالت ــ عدالت واقعی و ملموس و نه فقط سخن گفتن از عدالت - آرزو و آرمان و هدف برنامه‌ریزی‌هاست، پس باید هر پدیده ضدعدالت در واقعیات کشور مورد سؤال قرار گیرد. مسابقه رفاه میان مسئولان، بی‌اعتنایی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و عمل برنامه‌ریزان، ثروت‌های سربرآورده در دستانی که تا چندی پیش تهی بودند، هزینه کردن اموال عمومی در اقدام‌های بدون اولویت و به طریق اولی در کارهای صرفاً تشریفاتی، میدان دادن به عناصری که زرنگی و پررویی آنان همه گلوگاه‌های اقتصادی را به روی آنان می‌گشاید و خلاصه پدیده بسیار خطرناک انبوه شدن ثروت در دست کسانی که آمادگی دارند آن را هزینه کسب قدرت سیاسی کنند و البته با تکیه بر آن قدرت سیاسی اضعاف آنچه را هزینه کرده‌اند گرد می‌آورند. اینها و امثال آن نقطه‌های استفهام برانگیزی است که هر جوان معتقد به عدل اسلامی ذهن و دل خود را به آن متوجه می‌یابد و از کسانی که مظنون به چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند پاسخ می‌طلبد و همچنین در کنار آن از دولت و مجلس و دستگاه قضایی عملکرد قاطعانه برای ریشه‌کن کردن این فسادها را مطالبه می‌کند. امروز این مهم‌ترین و مطرح‌ترین مسئله کشور ماست و نسل جوان دانشجوی متعهد و مؤمن نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند.

ماجرای یک عکس پر حاشیه

صفحه اینستاگرامی برنامه رادیویی «رادیوم» نوشت: چند ماه پیش بود که یک صرافی رمز ارز به نام باینینس (خرید و فروش رمز ارز) استفاده کاربران ایرانی را با بهانه احراز هویت ممنوع کرد. مدیرعامل این صرافی آقای چانگ پنگ ژایو حتی برای کاربران ایرانی ایمیل زد که فرقی نمی‌کند اگر ایرانی باشید نمی‌توانید از این صرافی استفاده کنید. تا اینکه بعد از قرارداد ایجاد شده بین این صرافی و باشگاه پورتو و تصمیم برای ایجاد یک توکن برای باشگاه، اسپانسر پیراهن‌های باشگاه پورتو همین صرافی باینینس شد. اگر به عکس توجه کنید واژه باینینس روی پیراهن می‌بینید. حالا هم مدیر این صرافی در توئیتر این عکس را از بازیکن ایرانی و شناخته شده پورتو مهدی طارمی به اشتراک می‌گذارد و باعث عصبانیت کاربران ایرانی می‌شود. کاربری می‌نویسد: حتی مهدی طارمی بازیکن شناخته شده پورتو هم نمی‌تواند از این صرافی استفاده کند. کاربری دیگر نوشته استفاده کاربر ایرانی از این سرویس اقتصادی ایراد است، اما تبلیغ این صرافی روی پیراهن بهترین بازیکن پورتو که ایرانی است ایرادی نیست. حالا این اتفاق با واکنش بسیار گسترده‌ای از نگاه کاربران همراه بود، موضوعی که به تعبیر افکار عمومی، چیزی نبود جز نژادپرستی.

آسیب‌های کاهش اعتماد به شایسته‌سالاری

رحمان قهرمان‌پور در رشته توئیتی نوشت: فوکویاما در دو کتاب مهمش یعنی اعتماد و نظم و زوال سیاسی به این یافته بسیار مهم اشاره می‌کند که وقتی در جامعه‌ای دایره اعتماد کوچک‌تر و غیرتخصصی‌تر شود افراد به جای اعتماد به شایستگان به تنظیمات ژنتیکی برگشته و به خانواده و فامیل خود اعتماد می‌کنند. امروز بی‌اعتمادی محدود به دایره سیاست نیست. در فرهنگ و ورزش و حتی علم و فناوری هم شاهد تعمیق اعتماد ژنتیکی و زیستی به جای اعتماد تخصصی و کارکردی هستیم. این اتفاق در سیاست به گسترش ویژه‌پروری سیاسی و در مقیاس بزرگ‌تر حامی پروری سیاسی یاری می‌رساند و در سایر حوزه‌ها هم خلاقیت و نوآوری را کمتر می‌کند. اسرار مگو و تخریب‌ها چنان گسترده‌اند که افراد ترجیح می‌دهند حتی در حریم کاری و شغلی خود جز خواص و خودی‌ها و معتمدان ژنتیکی را راه ندهند. هر آن‌کس که از دوایر و گعده‌ها و حلقه‌ها بیرون است راه بسیار دشوار و البته پرخطری برای پیشرفت شغلی دارد. مدام باید مواظب ضربات باشد.

از ناپلئون تا مکرون سرکوب معترضان ادامه دارد!

فردین ساروخانی در کانال تلگرامی «نجوا» نوشت: بعد از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه، تعداد زیادی از مخالفان دولت جمهوری روی کار آمده در کشور، برای مخالفت به خیابان‌ها آمدند و اعتراضات بی‌سابقه‌ای را شکل دادند. این افراد که اکثراً از بین سلطنت‌طلب‌ها بودند خواسته‌شان سرنگونی دولت انقلابی و بازگشت مجدد نظام سلطنتی بر عرصه سیاسی فرانسه بود.
از طرفی انگلستان که نگران صدور انقلاب فرانسه به مرزهای کشور خودش بود، همواره از این آشوب‌ها حمایت می‌کرد. همچنین انگلیس تعداد زیادی از نیروهای نظامی خود را به شهر تولون فرانسه فرستاده بود تا اوضاع را از نزدیک تحت کنترل خود قرار دهد.
در چنین شرایطی ناپلئون بناپارت جوان که تازه توانسته بود نام خود را به‌عنوان یک انقلابی مبارز و جنگجوی زبده سر زبان‌ها بیندازد، از سوی دولت انقلابی فرانسه مسئولیت سرکوب شورش مخالفان دولت مستقر و مبارزه با ارتش انگلستان در شهر تولون را به عهده گرفت. ناپلئون با ارتش مقتدری که در دست داشت ابتدا توانست با خونریزی‌های متعدد تمامی معترضان تولون را از دم تیغ بگذراند و سپس به جنگ نیروهای انگلستان رفت و در دو مرحله توانست شکست‌های مهلکی به بریتانیا وارد کند.
اما خونریزی‌های ناپلئون در سرکوب مخالفان دولت فرانسه به همین‌جا ختم نشد. در آن زمان وضعیت پاریس بسیار بحرانی بود و شورشیان سلطنت‌طلب توانسته بودند به میزان زیادی انقلابیون فرانسه را کنار زده و مقدمات مستقر کردن حکومت سلطنتی را مجدداً فراهم کنند. ناپلئون این بار مسئول سرکوب مخالفان انقلاب کبیر در پاریس شد. او استفاده از نیروهای ضد شورش برای سرکوب را نادیده گرفت و برای اولین بار در تاریخ، از ارتش فرانسه با تمامی سلاح‌های گرم و سرد آن برای سرکوب مردم معترض استفاده کرد! ناپلئون بناپارت با مردم فرانسه مانند دشمنان بیگانه رفتار کرد و با قتل‌عام معترضان پاریسی توانست پایه‌های انقلاب کبیر فرانسه را محکم کند.
تمامی قتل‌عام‌های ناپلئون را باید در کنار اعدام‌های بی‌شمار دولت انقلابی فرانسه قرار داد تا بهتر متوجه عمق لگدمال کردن آزادی بیان و حق اعتراض در غرب وحشی و مهد آزادی جهان شویم. البته سرکوب معترضان تنها مختص به سالیان دور نیست.
هم‌اکنون نیز دولت مکرون در فرانسه، در حال سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز جنبش موسوم به جلیقه زردهاست. این یادداشت را باید اینچنین به پایان رساند: مدعیان حقوق بشر همان تروریست‌های گذشته و امروز هستند!